

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

حوادث روز های اخیر در جمهوری توده ای چین بار دیگر بحران سیاسی عمیقی را که در نتیجه اندیشه های ضد مارکسیستی مائو، جامعه چین به آن دچار گشته ، با پرچستگی ویژه ای متجلی نمود و نشان داد که نتایج سیاست داخلی و خارجی رهبری مائوئیستی مردم چین را هر چه بیشتر بسوی بن بستهای سیاسی میکشاند . معلوم شد که «انقلاب سفید» سالیهای شصت

## تشدید بحران در درون رهبری مائوئیستی

آن بوسد ، بلکه شکاف در میان جناحهای مختلف در رهبری چین و مبارزه بر سر قدرت میان این گروهها را تشدید نموده و این اختلافات در میانه توده های دنباله در صفحه ۲

که مظهری از لبرد برسر قدرت و بمنتظر تصفیه حساب با مخالفین سیاسی و تحکیم مواضع گروه رهبری مائوئیستی بدستور مستقیم مائوتسه دون براه انداخته شد ، نه تنها نتوانسته به نتایج مطلوب برای مبتکرین

### مصاحبه هدیه عبدالناصر دختر جمال عبدالناصر رئیس جمهور فقید مصر با روزنامه «الدستور» چاپ اردن

هدیه عبدالناصر اظهار داشت : حمله و افترا به پدر من بلافاصله پس از درگذشت وی آغاز شد . این تبلیغات ابتدا در محافل محدودی جریان داشت و سپس جنبه گسترده آشکار و رسمی بخود گرفت . هدف این تبلیغات از بین بردن میراث ایدئولوژیک و سیاسی نخستین رئیس جمهور مصر و خصلت و نتایج انقلاب مصر است . هدیه عبدالناصر متذکر شد این تبلیغات محکوم به شکست است ، زیرا مردم برای کارهاییکه ناصر برای خلق خود انجام داده ، ارزش قائلند . علیرغم تبلیغات ضد ناصر ، شماره طرفداران ناصر پویژه میان کارگران و دانشویان رو فزونی است . ضمناً مسئله بر سر این نیست که چه کسی موافق یا مخالف ناصر است ، اکثریت جمعیت ۳۷ میلیونی مصر از انقلاب مصر که سمتگیری سوسیالیستی دارد پشتیبانی میکنند .

هدیه عبدالناصر گفت تلاش رهبری کنونی مصر برای کاهش نقش رئیس جمهور فقید مصر ناصر مبتنی بر پندارهای واهی است . خدمت پدر من در آنسکه بزهبری وی انقلاب ضد استعماری و ضد امپریالیستی در مصر انجام گرفت و این انقلاب برای دیگر کشور های عربی راهگشا بود . باید متذکر شد که درست ناصر بود که در مقابل همه مائو ها و توطئه های دول امپریالیستی ایستادگی میکرد .

روزنامه «برادواد» ۲۲ آوریل ۱۹۷۶

قرار معلوم زندانیان دوران بازپرسی را در یکی از زندان های کشور ، احتمالاً در زندان بد نام « کمیته » واقع در مقر ساواک ، بسر برده اند . بنا به تجربیاتی گذشته میتوان حدس زد که آنها نیز اقتضار آشنائی با سواک جلب دستگاہهای الکتریکی رژیم را داشته اند!

در ادعاهای مختلف از بسیاری از چنین آلات ، از جمله نوعی اجاق که بر اثر حرارت سرخ میگردد و همچنین دادن شوک برقی به اعضای تناسلی ، سخن گفته میشود . اگر این روش ها موثر واقع نگردد ، امکان آن هست که به منظور کسب اطلاعات ، بستگان نزدیک متهمان دستگیر و در برابر دیدگان آنها شکنجه شوند . ده روز پیش از آغاز داد رس ، متهمان اجازه می یابند که با وکلای مدافع خود ملاقات کنند . اینان معمولاً از صلاحیت قضائی بی بهره اند و افسران باز نشسته و یا در حال خدمت هستند که با اجازه رژیم منصوب میشوند .

داد رسان از میان افسران ارشد برگزیده میشوند . کيفر خواست کتباً و همراه با پرونده های ساواک ارائه میگردد . ظاهراً اظهارات متهمان تنها مستند شفاهی بوده است ، زیرا که ، شهرد وکلای مدافع پذیرفته نشده اند . تاکتیک وکیل مدافع را تا حدی مدارک اثباتی تعیین کرده است . احتمالاً ، مورد استناد ساواک اقرار متهمان بوده است که امری است قابل بحث و از طریق شکنجه تحمیل شده است . امکان دارد که متهمان درخواست غفر کرده باشند .

یاد آوری این نکته سودمند می نماید ، که در گذشته برخی از وکلای مدافع ، بعلت کوشش برای آزادی موکلان خود ، مورد غضب اولیا و امور واقع شده ، تحت تعقیب قرار گرفته و محکومیت یافته اند . محاکمات بدوی و تجدید نظر در خفا و سری انجام گرفته است . مطبوعات این کشور ، که تحت سانسور شدید قرار دارند ، تنها اطلاعاتی را چاپ میکنند که دولت در اختیار آنها گذاشته است . نکته جالب دیگر آنست که ما در جریان دنباله در صفحه ۲

### اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره درگذشت رفیق آذری



با تأسف فراوان اطلاع یافتیم که رفیق آذری عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و عضو کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان در ۲۴ اسفند سال ۱۳۵۴ در گذشت . رفیق میرآقا آذری درسال ۱۲۸۲ هجری شمسی در دهکده زاویه ، از محال خلخال متولد شد . رفیق آذری از سنین جوانی در صفوف حزب کمونیست ایران و در جنبش گیلان شرکت کرده و پس از سرکوب این جنبش مجبور به هجرت گردید . وی در سال ۱۳۱۶ ، بایران بازگشت و پسال ۱۳۲۲ در تهران بصورت حزب توده ایران درآمد و در اراک عضو کمیته ولایتی حزب بوده و ضمناً از مؤسسين اتحادیه کارگران راه آهن شهر اراک و سپس مسئول این اتحادیه بود .

رفیق آذری در سال ۱۳۲۴ در تبریز بصورت فرقه دمکرات آذربایجان ، درآمده ، در دوران حکومت ملی آذربایجان بریاست اداره راه آهن آذربایجان رسید و در عین حال بصورت شعبه تشکیلات دوازدهمین حومه کمیته شهری تبریز و شورای اتحادیه های کارگری آذربایجان انتخاب شد . رفیق آذری در سال ۱۳۲۵ به اتحاد شوروی مهاجرت کرده و در این دوران نیز در امور حزبی شرکت فعال داشته است . رفیق آذری از سال ۱۳۲۹ عضو کمیته مرکزی فرقه دمو - کرات آذربایجان و حزب توده ایران است .

با مرگ رفیق آذری حزب ما یکی از مبارزان با سابقه و با ایمان خود را از دست داده است . ما این ضایعه را به همه رفقای حزبی و بازمندگانی رفیق فقید صمیمانه تسلیت میکنیم .

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران دست داشتیم مصاحبه ای بعمل آوریم . مانند هیئت های اعزامی دیگر ، چشم خود دیدیم که رژیم تا چه اندازه پنهانکار است . با این همه امکان آن هست که بر پایه اطلاعات خود و دیگران و واقعات منظره های احتمالی از جریان آخرین قربانیهای منتسب به گروه نه نفر را توصیف کنیم . میتوان حدس زد که آنها بوسیله ساواک ، پلیس سیاسی آن کشور ، دستگیر شده و مدت زمانی نیز در توقیف بسر برده اند . احتمال میرود که ساواک در طول این مدت از آنها بازپرسی بعمل آورده است . وکلای مدافع متهمان حق ملاقات از آنها را نداشته اند . از

## درود پر شور

### به کارگران و زحمتکشان ایران ! (بیم کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت جشن اول ماه مه)

و زحمتکشان بعلت افزایش روز افزون هزینه زندگی مرتباً پائین میآید ، بهای کالا های روزمره ابتدائی آنان چند برابر میشود ، مزد های ناچیز زحمتکشان یا ثابت میماند و یا مبلغ بسیار کمی که با افزایش قیمت ها متناسب نیست بدان اضافه میگردد . قانون هشت ساعت کار در روز اجرا نمیشود . قانون کار و قوانین بیمه های اجتماعی محصول مبارزه پی گیر طبقه کارگر است که بدرستی اجرا نمیشود . هنوز دهها هزار کودک خردسال برخلاف قانون کار بسختی استعمار میشوند ، هنوز مزد زلف کارگر در برابر کار مسواکی با مردان یکسان نیست .

کارگران و زحمتکشان ایران! شما آزادی سندی کالی و هرگونه آزادی و حقوق دمکراتیک محرومید . دستگاه جهانی ساواک سدی کالی های دولتی را بر شما تحمیل و حق انتخاب نمایندگان واقعی را از شما سلب کرده است . رژیم استبدادی ایران از یکسخت تر و توطئه های طبیعی مین ما و از جمله منابع گرانبهائی نفت را باحصار های امپریالیستی به بهای نازل میفروشد و درآمد آنرا بجای صرف حرا به بهبود زندگی شما و کفایت مردم ایران بصندوق انحصار های اسلحه سازی ، بیجبه های پرزندی شاه و خانواده اش ، بدریاریان کاسه لیس ، بفرماندهان ارتش تجاوز کار ، بجنایتکاران ساواک و دستگاههای گوناگون « امنیتی » ، به بسیاری از کار شناسان جاسوس و رنگارنگ امپریالیست ها و طبقات ممتاز ، میپردازد . این کاخهای بلند ، این ماشینهای آخرین سیستم ، این پولهای تکیه در بانکهای خارجی روی هم ، دنباله در صفحه ۲

ران و زحمتکشان ! مرکزی حزب توده ایران روز اول ماه مه ، روز یکی جهانی زحمتکشان ، روز رژه نیروی شگرف ی جهان را بشما شاد باش میگردد . زحمتکشان با امسال نیز جشن اول ماه مه را در شرایط تشدید اختلاف رژیم استبدادی محمد رضا شاهی ، در تشدید بهره کشی سرمایه دازان ، داخلی و ، در شرایط دشوار و سخت زندگی و شرایطی سخ خواستهای صفتی آنانرا با گولوه و زندان ، راندن از کار میدهند ، بزرگوار میکنند ! روز تاریخی اول ماه مه روز اعلام خواستهای و سیاسی طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری هم مبارزه ، برای وصول پانهاست . در گذشته کارگر ایران با مبارزه پیگیر خود زیر رهبری توده ایران و شوروی متحد و متحدین مرکزی های کارگران و زحمتکشان ایران حکومت وادار کرد که این روز را بعنوان روز جشن ی برسمیت بشناسد . ولی حکومت ایران تا آنجا نست از برکوتاری این جشن در عمل جلوگیری کرد ، انجام در نتیجه مبارزه مداوم زحمتکشان بار مقبول آن بعنوان روز کارگر تن در داد ، در عین شش کرد رژه نیروی کارگری و طرح خواستهای جماعات محدود در کارخانه ها و برای تبلیغ بود بدیل کند . زحمتکشان ایران سیاست ضد کارگری رژیم از هر کس با پوست و گوشت خود لمس د . سلخ زندگی روزانه خانواده های کارگران

در تاریخ ۱۲ فوریه ۱۹۷۶ در روزنامه انگلیسی «تایمز» و نیز در روزنامه فرانسوی «لوموند» متن گزارش «کمیته پارلمانی دفاع از زندانیان سیاسی در ایران» در انگلستان نشر یافت . از آنجا که این گزارش از طرف نمایندگان لیبرست حاکی از يك گواهی بین المللی دیگر بر فقدان کامل هرگونه قانونی در سیر رسیدگیها و محاکمات و تسلط بیرحمانه «ساواک» در ایران است ، لذا ترجمه آنرا برای اطلاع بنظر خوانندگان ارجمند « مردم » میرسانیم .

## حکومت ایران فرومایه ترین حکومت جهان است

(متن کامل گزارش «کمیته پارلمانی دفاع از زندانیان سیاسی در ایران» منتشره در «تایمز» لندن) (۵ شنبه ۱۲ فوریه ۱۹۷۶)

ایران کشوری است که در آن زندانیان سیاسی نور یافت میشود . شاه ورژیم او از دادن هرگونه ی دربار شماره آنها خود داری میوزند . شماره ی سیاسی در ایران از ۲۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ تخمین شود . در هر حال ، رقم حقیقی سرسام آور است . ست که محاکمات و رأی های داد گاهی ی جهانیان و اربابان گنجه است . اعدام چیزی است ، بارها وجود شکنجه و دادگاه های صحرائی ده و در برخی موارد نیز بیهوش رسیده است . های پیش چندین گروه بین المللی بازرسی به سفر کرده اند . همه آنها از عکس العملی ن خبر میدهند : سکوت رسمی ! شاه خیلی ن است که نقش میزبان کفرانسانی بین المللی امون حقوق بشر بازی کند ، مشوق قطعنامه های در باره حقوق بشر باشد و در گفتار های خود اری از اصول حقوق بشر بشتابد . اما هنگامیکه تحقیق در باره رژیم خود او پیش آید ، مقامات

رسمی او اصولاً از هرگونه همکاری خودداری می ورزند . اعلام تیر باران نه نفر باصطلاح چریک در تاریخ ۲۴ ژانویه بر سیاهه افرادی که بموجب اطلاعات موجود سرنوشته شباهه گریبانگیر شان شده است ، افزود . هیچ کس حق ندارد از دستند ، اتهام اطلاع یابد و محاکمات دیگر علنی نیست . بخلاف دیگران ، این افراد لا اقل میدانند که تیر باران آنها دستوری است . برخی دیگر ، مثلاً نه زندانی سیاسی در اوایل ۱۹۷۵ ظاهراً ، بهنگام فرار از زندان ، بضرر گولوه از پای در آمدند . به هیچ کس اجازه بازدید از جنازه آنها و رویت گزارش پزشکی قانونی داده نشد . ما در اوت ۱۹۷۵ ، بنام « کمیته پارلمان بریتانیا برای دفاع از زندانیان سیاسی در ایران » رهسپار تهران شدیم . قصد ما آن بود که در باره شایعات و ادعاهای مبنی بر بدرفتاری با زندانیان سیاسی تحقیق کنیم و بکوشیم تا با چند زندانی که ناشان را در

# تسلیت

چنانکه روزنامه های ایران خبر داده اند مهندس عباس وثوق حقیقی بعثت بیماری سرطان در تهران در گذشته است. مهندس وثوق عضو سابق شعبة تشکیلات کل کمیته مرکزی حزب توده ایران و دو بار، یکبار از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۲ بمدت پنج سال و بار دیگر از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۸ باز هم بمدت پنجسال یعنی جمعا ده سال زندانی بوده است. مهندس عباس وثوق حقیقی تا باز پسین دم زندگی به آرمان حزب توده ایران وفا دار و در محیط کار زندگی بین دوستان و آشنایان خود از محبوبیت فراوانی برخوردار بوده است.

ما در گذشت نا بهنگام رفیق دیرین و مقاوم خود را به باز ماندگان، رفقای حزبی و دوستان رفیق فقید تسلیت میگوئیم.

هیئت تحریریه «مردم»

## تشدید بحران در درون

وسیع زحمتکشان کشور نیز بازتاب یافته است. طی چند روز اول ماه آوریل در میدان مرکزی شهر یکن «تپان آب من» تظاهرات انبوهی از اهالی یکن تشکیل گردید که آشکارا به اعتراض علیه رهبری مائوئیستی و سیاست آن تبدیل گردید. گرچه در صورت ظاهر انگیزه این تظاهرات بر گزاری روزیاد بود در گذشتگان که از سن ملی خلق چین است و نیز بزرگداشت یاد بود نخست وزیر فقید چوئن لای و نثار تاج گل پهای بنای یادگار قهرمانان انقلاب بود. ولی از شعارهاییکه در این تظاهرات داده میشد و نوشته های روی نوارهای تاج گل معلوم شد، این انگیزه تنها دستاویزی برای ابراز اعتراض مشکل اهالی پایتخت علیه رهبری مائوئیستی بود. درگذشت نخست وزیر چوئن لای عامل تازه ای برای تشدید مبارزات درونی رهبری مائوئیستی بر سر قدرت بود و موجب شد که این مبارزات از چهار چوب اختلافات میان گروههای مختلف بر رهبری خارج شود و بشکل تظاهرات گسترده اهالی پایتخت چین علیه مجموعه اندیشه ها و سیاست مائوئیستی بروز نماید.

روزنامه دزد دوپچه تسلی تونگ، چاپ آلمان باختری خاطر نشان میکند: «تظاهرات ضد مائوئیستی در میدان «تپان آب من» نشان داد که اپوزیسیون درون چین که رشد سالم اقتصاد کشور را بر سر شمار های انتزاعی و بی محتوی مائوتسه دوز ترجیح میدهد قوی تر از آنست که گروه رهبری مائوئیستی تصور میکند».

در مورد این تظاهرات مطبوعات خود چین هم نتوانستند این بار با فرمولهای مبتذل مبارزه علیه طرفداران راه سرمایه داری، «دانشرف از اندیشه های مائو و غیره انگیزه و محتوی اصلی این تظاهرات را بد نام کنند و ناگزیر به اعتراف این مطلب شدند که: «دلبه تیز اعتراض شرکت کنندگان در تظاهرات علیه مائوتسه دوز متوجه بوده. هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ضمن تصمیم در مورد بر کناری «دن سیائوپین» از همه مقامهای حزبی دولتی و انتصاب «هوا گوفن» بمقام نخست وزیری و معاون اول صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، تظاهرات میدان «تپان آب من» را بعنوان یک اقدام ضد انقلابی محکوم نمود و دن سیائوپین و هوا داران وی را مسئول این اقدام شناخت. اما در حقیقت این تصمیمات رهبری مائوئیستی تنها تلاشی است برای گمراه ساختن افکار عمومی توده های وسیع خلق چین و استعار انگیزه های واقعی بحران درون رهبری چین بطوریکه روزنامه «نیویورک تایمز» خاطر نشان میکند» تصمیم در مورد بر کناری دن سیائوپین را باید نه انجام بلکه آغاز مبارزات شدید تر و تعمیق بیشتر بحران درون رهبری مائوئیستی و همه جامعه چین دانست.

روزنامه «ژن مین ژیبائو» طی مقاله مسعولی در مورد حوادث اخیر در یکن اعتراف میکند که در میان رهبری مائوئیستی مبارزات شدیدی بر سر قدرت در جریان است و نیز وجود ناراضگی از سیاست رهبری کنونی را پنهان نمیکند. اما بشیوه معمولی مائوئیستی انگیزه این حوادث «قانونمدنی مبارزه طبقاتی» در درون جامعه چین و «مبارزه دو خط مشی» در درون حزب کمونیست چین از زیابی شده و با این فرمولها تلاش

## درد پرشور به کارگران

گذشته میشود و این زندگیمای اسانه وار که شما رنگ آنها را حتی در خواب نمی بینید، جز از راه تاراج و غارت دسترخی شما و ثروتهای کشور از جای دیگری بدست نیامده است.

کارگران، زحمتکشان!

شاه و عمال حکومت مطلقه اش در همانحال که گنجهای خود را از ثمره زنجهای شما پر میکنند برای گمراه کردن شما بپشروانه ویرا کارانه از بیگانگی منافع کارگر و کارفرما دم میزنند. مدعی هستند که با وضع قوانین سهیم کردن کارگران در سود کارخانه ها با فروش سهام کارخانه ها به کارگران، کارگر و کارفرما را برابر وار بهم بیوند داده، اختلاف طبقاتی واستثمار را از بین برده و عدالت اجتماعی را برقرار کرده اند! اما باز هم شما بهتر از هر کس میدانید که مقصود از این ادعاهای پوچ جلوگیری از مبارزات شما واستثمار هرچه بیشتر شماست. هدف رژیم استبدادی از این عوامفریبی ها تخدیر طبقه کارگر، جلوگیری از رشد آگاهی و مبارزات مطالباتی و سیاسی او است. وابسته کردن سندیگهای کارگری بحزب شاه فرموده رستاخیزه نیز هدفی جز کشاندن طبقه کارگر بدنیال سیاست ضد ملی و ضد دمکراتیک رژیم و برقراری کنترل هرچه دقیقتر همه زحمتکشان و انحراف جنبش کارگری از مبارزه واقعی صنفی و سیاسی ندارد. رژیم ضد کارگری ایران به نیروی طبقه کارگر واقف است، زیرا متروپ شست این طبقه را در آن روزگاری که در آغاز رشد و گسترش خود بود، چشیده و بخوبی میدانند که اگر امروز طبقه کارگر بر مراتب از درانهای گذشته نیرومندتر شده متحد شود و بمیدان مبارزه قدم گذارد، خطر بزرگی برای بساط سمدگری شاه و غارتگری سرمایه داران و زمینداران بزرگ خواهد بود، از این رو با تمام وسائل کوشش میکنند که این طبقه را فریبند و از گسترش پیکار طبقاتی آن جلوگیری کنند.

اما با وجود کوششهای رژیم و اطمینان نشان میدهند که طبقه کارگر و زحمتکشان مین ما گول حکومت کارگر کش را نمیخورند. در یک سال اخیر مین ما شاهد جنبش گسترده مطالباتی و حق طلبانه و تجمیران برای دفاع از حقوق خود بوده است. اعتراضات خوین کارگران پارچه بافی شاهی، کارگران ماشین سازی اراک، کارگران کارخانه چیت سازی کرج، کارخانه نساجی شهنار و کارخانه صنایع پشمایی در اصفهان، کارگران صنایع نفت جنوب، کارگران کوره پز خانه ها و دهها اعتصاب دیگر گواه صادق بر این مدعا است که طبقه کارگر ما با وجود رژیم پلیسی ساواک و روبرو بوذن با خطر مرگ، زندان و اخراج از کار، دلیرانه از حقوق خود دفاع میکند و کارفرمایان و رژیم پشتیبان آنها را وادار بقبول تمام یا بخشی از خواستههای خویش مینماید. گسترش جنبش اعتصابی در سالی که گذشت نشانه بالا رفتن سطح آگاهی زحمتکشان و نوید بخش تشکل و اتحاد هر چه بیشتر آنها در مبارزات آینده است. زحمتکشان ما در جریان مبارزات حق طلبانه خود پی میبرند که تنها از راه نبرد متحد و سازمان یافته میتوان و باید از منافع خود در برابر سرمایه داران بزرگ غارتگر و حکومت استبدادی مطلق بانها دفاع کرد. کشتار بیرحمانه دهها کارگر، بازداشت و اخراج صدها نفر از زحمتکشان در جریان اعتصابهای گذشته چهره زشت و نفرت انگیز رژیم و حیل گریهای او را بیش از پیش رسوا و آشکار کرده و زحمتکشان را از این راه با این حقیقت که مبارزه مطالباتی با مبارزه سیاسی علیه رژیم ضد کارگری پیوند

میشود علت عمده تشدید بحران در داخل رهبری مائوئیستی که به اشکال مختلف اعتراض و مقاومت میان قشرهای مختلف اهالی کشور علیه مجموعه سیاست خارجی و داخلی مائوتسه دوز و گروه طرفدار وی در رهبری بازتاب می یابد، استعار شود. تظاهرات در میدان «تپان آب من» نمودار تازه ای از آنستکه مبارزات سیاسی درون رهبری چین اشکال حادثتری بخود میگیرد و فرنج تر میشود و این حوادث قبل از همه بازتاب روشنی از مرز بندی مشخص تر میان قشرهای مختلف جامعه چین است که با آگاهی به پی آمدهای زیان بار مجموعه اندیشه ها و سیاست مائوتسه دوز و گروه وادار وی برای آینده خلق و کشور چین، وارد صحنه پیکار میشوند.

ق. بیروز

## حکومت

تحقیقات خود، چه پیش از سفر به آمریکا و چه بعد از آن، هیچگاه چیزی در باره تبهانه متهمان را محاکم نظامی نشنیدیم. زمانی بود که مردم میخواستند در جریان این داد رسنها شرکت کنند. برای نمونه در جریان محاکمه برخی از افراد منتسب به «گروه ۹ نفر» که در سال پیش به گلوله بسته شدند، گروهی از ناظران خارجی امکان شرکت در آنرا یافتند. همین ناظران خارجی که جراحات وارده به متهمان را بچشم خود دیده اند، وجود شکنجه را تأیید میکنند. پایانی افزایش اهمیت ایران برای اقتصاد جهانی و اظهارات علنی شاه در باره پشتیبانی از حقوق بشر، اختناق داخلی رژیم او نیز فزونی می یابد. دیگر به ناظران اجازه شرکت در دادرسی های نظامی داده نمیشود. اکنون حتی از سوی اپوزیسیون قانونی نیز دیگر تظاهراتی بعمل نمی آید و تنها حزب قانونی، حزب رستاخیز، است. ساواک به فعالیت های بی حد و حصر خود ادامه میدهد.

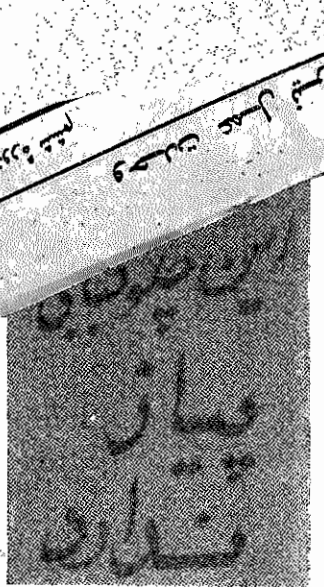
نبودن اطلاعات رسمی تنها میتواند حدسیات را در دامنه بخشد. نباید تردید داشت که این حدسیات بر واقعات استوار است. ما تأیید میکنیم که در ایران مردم به حدسیات نامبرده اعتقاد دارند. متأسفانه، بخلاف کشورهای مانند اسپانیا، که از لحاظ اقتصادی اهمیت کمتری دارند، اقدامهای پنهانی در ایران، چنانکه می باید، خشم و آتش جهانیان را برمی انگیزد. فعلا، در ایران از حیث شدت تضاد میان رژیم و ملت، شاید فرمولیه ترین حکومت جهان فرمانروائی میکند.

ناگسنتنی دارد، آگاه میکند. هیئت حاکمه در مبارزه علیه کارگران و زحمتکشان برای ادامه غارتگری خود از کلیه وسایل ترور و اختناق و تبلیغات گمراه کننده استفاده میکنند، در مقابل این وسائل تنها سلاح برنده شما اتحاد، تشکل و مبارزه است. گروههای چپ نما که کوشش دارند پاره ای از عناصر بی تجربه کارگری را از راه درست مبارزه منحرف کنند و به ماجراجوئی بکشاند عملا بطبقه کارگر خیانت میکنند.

خواهران و برادران زحمتکش! طبقه کارگر و زحمتکشان ایران دارای سنت های با ارزش مبارزه صنفی و سیاسی هستند و اگر امروز حکومت مطلقه محمد رضا شاهی این طبقه را بر سمیت میشناسد و محیلانه خود را جانبدار او مینماید، نتیجه مبارزات دشوار و پر فراز و نشیبی است که زیر رهبری شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران و رهبری سیاسی حزب توده ایران بعمل آورده است. برای اجرای درست و رفع نواقص قوانین کار گری موجود، برای بالا بردن دستمزدهای خود بناسب بالا رفتن هزینه زندگی، برای گسترش آموزش حرفه ای و بالا بردن سطح مهارت زحمتکشان، برای یکسان کردن مزد زنان در برابر کار مسلولی با مردان، برای آزادی سندیگائی و برای رسیدن به حقوق صنفی و سیاسی خود آتش پیکار را تند تر و فروزان تر کنید و همگام با دیگر نیرو های ملی برای جلوگیری از خرید های سرسام آور تسلیحاتی که در آمد کشور را بسود انتصارات اسلحه سازی امپریالیستی می بلعد، برای خروج نیروهای متجاوز ایران از عمان که بنام کمک بساطان قرون وسطائی قابوس و برای سرکوب جنبش رهائی بخش خلق مظلوم و محروم این کشور در انجا اعزام شده اند، برای جلوگیری از برباد دادن بزرگترین ثروت ملی نفت و اجرای تمام و کمال قانون ملی شدن صنایع نفت و برای برپیدن بساط جهنمی ساواک که هرگونه آزادی و امتد از مردم سلب کرده و سایر هدفهای دیگر و ضد امپریالیستی مبارزه کنید. مبارزه شما به میگر نیرو های ملی و دمکراتیک که برای آزادی و استقلال کشور و ریشه کن کردن نفوذ امپریالیسم از میهن گرامی ما در شرایط بسیار دشواری نبرد میکنند، نیرو می بخشد و با آنها الهام میدهد.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، با ایمان راسخ به نیروی رهائی بخش شما یقین دارد که در بر یا زود روزی خواهد رسید که شما روز اول ماه مه را در ایرانی آزاد و آباد جشن بگیرید. زنده باد روز اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی زحمتکشان! پیروز باد مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران



## اعلان يك دكان چلو کبابی

### گرانی پیاز

تازگیها گشتهای «خان» ای پیاز! همسر اشراف و اعیان، ای پیاز! با توانگر یار و همبر گشته ای می گریزی از فقیران، ای پیاز! دیزی آبگوشت را دادی طلاق! طلایی بر کبک بر بان، ای پیاز! در هوای وصل تو با اشکبه زیر پا کردیم تهران، ای پیاز! در فراوانی تو بودی بی نظیر گاه بودی قاتق نان، ای پیاز! کشت سبزیکار را زینت بدی پس چه شد آن روزگاران، ای پیاز! غیبت کبری نمودی از وطن آمدی از هند و افغان، ای پیاز! پول کود تو بعنوان «کمک» هدیه شد بر انگلستان، ای پیاز! گر تمدن این بود دروازه اش ننگ بر دروازه بلقان، ای پیاز!

### دلار فشانای علیحضرت

زهی افتخار و زهسی افتخار! که نظمی معظم شده برقرار! جهان میسراید سوری رژیم که فردوس گردیده ایران زمین ز فرهنگ و بهداشت دیگر مگو تو اصلا مرضی در ایران مگو و گر بیسوادی در ایران بود یقین دان ز نسل دلیران بود نیامد از این در یکف پول نفت از آن در بحکم شهنشاه رفت چرا غرب باید شود ورشکست عمو سام قلندر شود زیر دست سهام کروپ را خریدیم بیش عزیز است هر جا بود قوم و خویش مینادا بر ستائیهایی کبیر ز اسب بزرگی در افتد وزیر وفا راه و رسم نیاکان مست کمک بر بریتانیا زان ماست که آنها بما نیز یاری کنند خر مرده را اسب گاری کنند الا ای بزرگان دنیا ای غرب در ایران بود لقمه نفت چرب اگر خوگهاتان کمی لاغرند بیول در علف زار ما می چرند چو کسوسرمیوست هست از دوستان ز سندی شو پنهانی از بوستان: «تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی»